

مجالس رمضانی

۱۷

مجلس هفدهم

درباره مستحقان زکات



علامه محمد بن صالح العثيمين رحمه الله

ترجمه: مسعود ابراهیمی



مرکز مطالعات متین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجلس هفدهم: دربارهٔ مستحقان زکات

ستایش مخصوص خداوندی است هر که او خوارش کند کسی سربلندش نخواهد کرد و آنکس را که او عزیز گراند کسی را یارای ذلیل کردنش نیست. آنچه او عطا نماید احدی نمی‌تواند مانعش گردد و چیزی را که وی منع کند بخشنده‌ای نخواهد یافت. هیچ جدا کننده‌ای برای آنچه او پیوند داده و هیچ پیوند دهنده‌ای برای آنچه او بگسلد، نیست. پاک و منزّه است او که تدبیرکننده‌ای بزرگ است، معبود حکیم و مهربان که زیان از روی حکمتش است و منفعت ناشی از رحمتش.

او را بر همه کارهایش ستایش می‌کنم و بر نعمت‌های گسترده‌اش سپاس‌گزارم و گواهی می‌دهم که معبود برحق جز الله نیست، یگانه است و شریکی ندارد، تشریعاتش استوار و آفریده‌هایش چشم‌نواز است و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست. او را در حالی فرستاد که کفر کارش بالا گرفته و گسترش یافته بود، و گمراهی به اوج رسیده و فراگیر شده بود، پس آن را از عرش به فرش کشید و نابود کرد و اتحاد و نیرویش را درهم شکسته و متفرق ساخت. درود خداوند بر او و بر یارش ابوبکر باد، که ستاره شجاعتش در روزگار ارتداد مردم، طلوع کرد و درخشید، و بر عمر که اسلام به واسطه او عزت یافت و قدرتمند شد، و بر عثمان که مظلومانه کشته شد ولی بدعتی ایجاد نکرد، و بر علی که کفر را با جهادش نابود کرد و درهم کوبید، و بر تمامی خاندان و یارانش، تا زمانی که نمازگزاری سجده و رکوع می‌کند. سلام و درودی کامل.

برادران و خواهران: الله متعال می‌فرماید: **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ
وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ
وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ** (التوبة: ۶۰) [زکات اختصاص دارد به فقیران و مستمندان و
کارگزاران [جمع‌آوری و توزیع] آن و دلجویی‌شدگان [تازه مسلمان] و
برای [آزاد کردن] بردگان و [پرداخت وام] بدهکاران و [جهادگران] در راه
الله و [کمک به] در راه ماندگان. [این] فریضه‌ای [مقرر شده] از جانب
الله است؛ و الله دانای حکیم است).

خداوند متعال در این آیه کریمه مصارف زکات و مستحقین آن را بر
اساس علم، حکمت، عدل و رحمت خویش بیان فرموده و آن را در این
هشت گروه محدود ساخته است. خداوند فرموده که دادن زکات به
این افراد واجب و لازم است، و این تقسیم‌بندی از علم و حکمت
خداوند سرچشمه گرفته است. پس تغییر یا صرف زکات در غیر این

موارد جایز نیست؛ زیرا خداوند متعال به مصالح بندگان آگاه‌تر و نسبت به قرار دادن هر چیز در جایگاه مناسب آن داناتر است: **لَوْ مِّنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ** [المائدة: ۵۰] (و برای اهل یقین، حکم [و داورِ] چه کسی بهتر از الله است؟)

گروه اول و دوم: فقیران و مسکینان هستند که نمی‌توانند کفاف زندگی خود و خانواده‌شان را نه از پول نقد موجود، نه از درآمدهای ثابت، نه از صنعت و کسب و کار، نه از درآمد کافی، و نه از نفقه‌ای که دادن آن بر دیگران واجب باشد، تأمین کنند؛ اینان نیازمند کمک و یاری هستند.

علما - رحمهم الله - گفته‌اند: به آنان از زکات به اندازه‌ای داده می‌شود که برای خود و خانواده‌شان برای یک سال کامل کافی باشد، تا آنکه دوباره زمان پرداخت زکات فرا رسد. همچنین به فقری که قصد ازدواج دارد به اندازه‌ای که برای ازدواجش کفایت کند، مال داده

می‌شود. به دانشجوی فقیر نیز به اندازه خرید کتابهای مورد نیازش عطا می‌شود. کسی که درآمد دارد اما برای او و خانواده‌اش کافی نیست، از زکات به اندازه تکمیل کفایتشان به وی داده می‌شود زیرا نیازمند است.

جایز نیست به کسی که اندازه کفایت دارد، زکات داده شود، حتی اگر درخواست کند، بلکه واجب است او را نصیحت کرده و از درخواست آنچه برایش حلال نیست، برحذر داشت. از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «یکی از شما همچنان به درخواست کردن ادامه می‌یابد تا آنکه خداوند عز و

جل را ملاقات کند در حالی که در چهره‌اش پاره‌ای گوشت نباشد». به

روایت بخاری و مسلم.^۱

و از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه

وسلم فرمودند: «کسی که از مردم اموالشان را برای جمع کردن مال

درخواست می‌کند، همانا اخگر آتش درخواست می‌کند؛ پس (به

میل خود) کم بخواهد یا زیاد». روایت مسلم.^۲ و از حکیم بن حزام

رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم به او

فرمودند: «همانا این مال، سبز و شیرین است. هر کس که آن را با

سخت‌و‌تمندی نفس بگیرد، در آن برایش برکت قرار داده می‌شود، و هر

۱ - به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب من سأل الناس تکثراً (۱۴۷۴) و مسلم:

کتاب الزکاة، باب کراهة المسألة للناس (۱۰۴۰)، حدیث عبدالله بن عمر رضی

الله عنهما.

۲ - به روایت مسلم: کتاب الزکاة، باب کراهة المسألة للناس (۱۰۴۱).

کس که آن را از روی طمع نفس و با درخواست به دست آورد، در آن
برایش برکت قرار داده نمی‌شود و مانند کسی است که می‌خورد ولی
سیر نمی‌شود، و دست بالا (انفاق کننده) بهتر از دست پایین (گیرنده)
است». به روایت بخاری و مسلم.^۱ همچنین از عبدالرحمن بن عوف
رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:
«هیچ بنده‌ای نیست که باب سؤال و درخواست را [بر خود] بگشاید
مگر آنکه خداوند دروازه فقر را بر او می‌گشاید». به روایت احمد.^۲

۱- به روایت بخاری، کتاب الزکاة، باب الاستغفار عن المسألة (۱۴۷۲) و مسلم:
کتاب الزکاة، باب بیان أن اليد العليا خير من اليد السفلى (۱۰۳۵).
۲- ترمذی مانند آن را از ابوکبشه انماری روایت کرده و گفته: حسن صحیح است.
(نویسنده). به روایت احمد (۱۹۳/۱)، از عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه. و
ترمذی مانند آن را در: کتاب الزهد، باب ما جاء مثل الدنيا مثل أربعة نفر
(۲۳۲۵)، از ابوکبشه انماری رضی الله عنه روایت کرده است.

اگر شخصی که نشانه‌های بی‌نیازی بر او نمایان است اما وضعیتش نامشخص است، زکات درخواست کند، پس از آگاه کردن او از این مسئله که زکات سهم ثروتمند و کسی که توانایی کار کردن دارد نیست، جایز است به او از زکات داده شود؛ زیرا دو مرد نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدند و از ایشان [زکات] درخواست کردند، پیامبر با نگاهی ایشان را واریسی کرد و آن دو را قوی و نیرومند دید؛ پس فرمودند: «اگر می‌خواهید به شما عطا خواهم کرد، ولی در زکات سهمی برای ثروتمند و توانمند بر کار نیست». به روایت احمد و ابوداود و نسایی!

۱- احمد گفته است: چه نیکو حدیثی است. (نویسنده). روایت احمد: (۲۲۴/۴)، و ابوداود: کتاب الزکاة، باب من يعطى من الزکاة (۱۶۳۳) و نسایی: کتاب الزکاة، باب مسألة القدي المكتسب (۲۵۹۸)، از عُبیدالله بن عدی بن خیار رضی الله عنه.

گروه سوم از مستحقین زکات: کارگزاران زکات هستند. کسانی که والیان امور برای جمع‌آوری زکات و نگهداری و تقسیم آن منصوب می‌کنند. به آنها اگرچه ثروتمند باشند به اندازه کارشان از زکات داده می‌شود. اما وکیلی که یک شخص برای توزیع زکاتش منصوب می‌کند، جزو کارگزاران زکات نیستند و به سبب وکالتش، چیزی از زکات به وی تعلق نمی‌گیرد، لیکن اگر در تقسیم زکات میان مستحقین با امانت‌داری و تلاش داوطلب شود، درپاداش آن شریک خواهد بود؛ زیرا بخاری از ابوموسی اشعری رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «**خزانه‌دار امین مسلمانی که آنچه به او امر شده را کامل و تمام و با رضایت خاطر به کسی که به او امر شده، می‌پردازد - یا فرمودند: می‌بخشد - یکی از صدقه‌دهندگان است**». و اگر برای تقسیم آن داوطلب نشد، صاحب مال از مال خود و نه از زکات به او می‌دهد.

گروه چهارم: دلجویی‌شدگان (تازه مسلمانانی که هنوز ایمان در دلشان استوار نشده است)، یعنی کسانی که ایمانشان ضعیف است یا بیم شرشان می‌رود، پس مقداری از زکات برای تقویت ایمانشان یا دفع شرشان اگر جز با اعطای [زکات] به آنها دفع نمی‌شود، داده می‌شود.

گروه پنجم: برای آزادی بردگان. منظور بردگان مکاتبی هستند که خود را از اربابانشان خریده‌اند، پس از زکات به آنها داده می‌شود تا پول خرید خود را به اربابانشان بپردازند و بدین وسیله خود را آزاد سازند. همچنین جایز است با پول زکات برده‌ای خریداری و آزاد شود و یا با زکات مسلمانی از اسارت رهایی یابد؛ زیرا این موارد در عموم آزادی بردگان [مورد نظر آیه] داخل می‌شوند.

گروه ششم: بدهکاران، یعنی کسانی که متحمل بدهی شده‌اند و اینان دو نوع هستند:

نوع اول: کسی که برای اصلاح روابط بین مردم و خاموش کردن فتنه، متحمل بدهی شده است، پس به اندازه بدهی اش از زکات به او داده می شود تا تشویقی باشد برای او بر این عمل نیک که موجب الفت میان مسلمانان و اصلاح روابط بینشان و خاموش کردن فتنه و از بین بردن کینه ها و نفرت ها است. از قبیصه هلالی روایت است که گفت: [برای اصلاح میان مردم] متحمل بدهی شدم، پس نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدم تا در این مورد از ایشان درخواست کنم؛ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «بمان تا زکات برسد و دستور دهیم از آن به تو پرداخت کنند» سپس فرمودند: «ای قبیصه! همانا درخواست، مگر برای سه نفر حلال نیست: مردی که متحمل بدهی شده است، پس برای او درخواست کردن حلال است تا بدهی اش را

بپردازد سپس [از درخواست] خودداری کند» و حدیث را کامل ذکر

کرد. به روایت مسلم.^۱

نوع دوم: کسی که برای خودش قرض گرفته و اکنون توان پرداخت آن را ندارد. از زکات مقداری که بدهی‌اش را اگرچه زیاد هم باشد تسویه کند، به خودش یا طلبکارش داده می‌شود. پس اگر پول مستقیماً به طلبکار و نه بدهکار داده شود اشکالی ندارد؛ زیرا با دادن پول به طلبکار هدف که همان خلاص شدن بدهکار است، حاصل می‌شود.

گروه هفتم: در راه خدا، همان جهاد در راه خدا است که هدف از آن اِعلای کلمة الله باشد نه تعصب و قوم‌گرایی. پس به مجاهدی که با نیت پاک به جهاد رفته به اندازه‌ای که برای جهادش کفایت کند از

۱- به روایت مسلم: کتاب الزکاة، باب من تحل له المسألة (۱۰۴۴).

زکات داده می‌شود، یا با اموال زکات برای مجاهدان سلاح و تجهیزات خریداری می‌شود تا اسلام را حفظ و از آن دفاع نمایند، و کلمه الله را بالا ببرند.

گروه هشتم: در راه مانده. مسافری است که سفرش ناتمام مانده و آنچه در دست داشته تمام شده است، پس زکات به او داده می‌شود تا به دیارش بازگردد - اگرچه در شهر خودش ثروتمند باشد و کسی باشد که به وی قرض بدهد - لیکن جایز نیست که شخص برای گرفتن زکات مقدار کمی خرجی همراه خود بردارد، زیرا این حيله‌ای است برای گرفتن چیزی که حقش نیست.

زکات به کافر پرداخت نمی‌شود مگر آنکه از مؤلفه قلوبهم باشد (برای جذب وی به اسلام و ایمان)، همچنین به ثروتمندی که تجارت یا صنعت یا حقوق یا درآمد ثابت یا مستغلات دارد یا کسی را دارد که

خرجی او را بدهد، پرداخت نمی‌شود، مگر اینکه از کارگزاران زکات یا مجاهدان در راه خدا یا بدهکاران برای اصلاح روابط (بین مردم) باشد. زکات به منظور ساقط کردن واجب دیگری پرداخت نمی‌شود، بنابراین به جای مهمان‌نوازی جایز نیست از زکات به مهمان داده شود، و جایز نیست به کسی از زکات داده شود که نفقه‌اش بر شخص واجب است مانند همسر یا خویشاوند و این جایگزین نفقه واجب شود. اما پرداخت زکات به همسر و خویشاوند در مواردی که فراتر از نفقه واجب است، جایز است لذا می‌تواند با پول زکات، بدهی همسرش که توان پرداخت آن را ندارد ادا کند، و اینکه با آن بدهی والدینش یا یکی از نزدیکانش را که توان پرداختش را ندارند، بپردازد. دادن زکات به خویشاوندان برای پرداخت هزینه‌هایشان در صورتی که این کار [در اصل] برایش واجب نباشد، جایز است، در صورتی که

مال آن فرد تحمل هزینه‌های آنان را نداشته باشد، یا به دلایلی مانند آن.

جایز است که زن زکاتش را به شوهرش جهت پرداخت بدهی‌اش و مانند آن بدهد، و این بدان سبب است که خداوند پاک و منزّه استحقاق زکات را بر اوصاف کلی که شامل کسانی که ذکر کردیم و غیر آنها می‌شود، قرار داده است، پس هر کس که دارای اوصاف باشد، مستحق زکات است. بر این اساس، هیچ کس جز با نص یا اجماع از زمره مستحقین خارج نمی‌شود.

و در صحیحین از حدیث زینب ثقفی، همسر عبدالله بن مسعود آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم زنان را به صدقه امر کرد، پس از پیامبر صلی الله علیه وسلم پرسید: ای رسول الله، تو امر به صدقه کرده‌ای و من زیورآلاتی داشتم که می‌خواستم آن را صدقه دهم، و ابن مسعود گمان می‌کند که او و فرزندانش به صدقه من سزاوارتر

هستند. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «ابن مسعود راست گفته است؛ شوهرت و فرزندان سزاوارترین کسانی هستند که به آنها صدقه دهی».^۱ و از سلمان بن عامر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: «صدقه بر فقیر، صدقه است؛ و بر خویشاوندان هم صدقه و هم صلۀ رحم است». روایت نسائی و ترمذی و ابن خزیمه و حاکم، و (حاکم) گفته است: اسنادش صحیح^۲ است. «ذوی الرحم» خویشاوندان هستند، چه نزدیک باشند یا دور.

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب الزکاة علی الأقارب (۱۴۱۲) و مسلم به شکل مختصر: کتاب الزکاة، باب فضل النفقة والصدقة علی الأقربین (۱۰۰۰).

۲- به روایت ترمذی: کتاب الزکاة، باب ما جاء فی الصدقة علی ذی القرابة (۶۵۸) و نسائی: کتاب الزکاة، باب الصدقة علی الأقارب (۲۵۸۲) و ابن ماجه: کتاب الزکاة، باب فضل الصدقة (۱۸۴۴) و ابن خزیمه (۲۰۶۷) و حاکم (۴۰۷/۱).

جایز نیست که طلبش را از گردن فقیر ساقط کند و آن را به جای زکاتش حساب کند، زیرا زکات مستلزم رد و بدل کردن مال است؛ الله متعال می‌فرماید: **اُخْذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً** (التوبة: ۱۰۳) (از اموال آنان [یعنی توبه‌کاران] صدقه [و زکات] بگیر)، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: **«همانا خداوند بر آنها صدقه‌ای واجب کرده است که از ثروتمندانشان گرفته شده و به فقرای آنها پرداخت می‌شود»**^۱ و ساقط کردن بدهی از گردن فقیر، نه گرفتن مال است و نه دادن، همچنین آنچه بر ذمه فقیر است بدهی غایبی است که نمی‌توان در آن دخل و تصرفی کرد، بنابراین جای مال حاضری که می‌توان در آن تصرف کرد، قرار نمی‌گیرد. همچنین قوت حضور و دلبستگی به بدهی

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب أخذ الصدقة من الأغنياء وترد في الفقراء حيث كانوا، شماره دیت (۱۴۹۶) ومسلم: کتاب الإیمان، باب الدعاء إلى الشهادتين وشرائع الإسلام (۱۹)، از ابن عباس رضي الله عنهما.

نزد شخص کمتر از مال حاضر است، پس بخشش بدهی [به عنوان زکات] به جای پرداخت مال حاضر، مانند پرداخت جنس بد به جای خوب است.

هرگاه صاحب مال در پرداخت زکات اجتهاد کرده و به کسی که گمان می‌کند از مستحقین زکات است زکاتش را پرداخت کند، سپس خلاف آن معلوم شود، زکات از گردنش ساقط شده است زیرا تا آنجا که می‌توانسته تقوا پیشه کرده است، و خداوند هیچ نفسی را جز به اندازه توانش مکلف نمی‌کند.

در صحیحین از ابوهریره رضی الله عنه نقل شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «مردی گفت: به خدا سوگند صدقه خواهم داد» سپس حدیث را بیان کرد و در آن آمده است «پس صدقه‌اش را در دست ثروتمندی نهاد. صبح شد و مردم می‌گفتند: به ثروتمندی صدقه داده شده است! آن مرد گفت: الحمدلله! به ثروتمندی صدقه

دادم! پس نزد او آمده و به وی گفته شد: شاید آن ثروتمند پند گیرد و از آنچه خداوند به وی عطا کرده انفاق نماید». و در روایتی از مسلم آمده: «اما صدقات پذیرفته شد»!

و از مَعْن بن یزید رضی الله عنهما روایت شده که گفت: پدرم دینارهایی را برای صدقه دادن کنار گذاشت و آنها را نزد مردی در مسجد نهاده بود. من رفتم و آنها را برداشتم و نزد او بردم. پدرم گفت: به خدا سوگند هدفم تو نبودی پس ماجرا را نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بردیم. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «ای یزید، آنچه نیت

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب إذا تصدق علی غنی وهو لا یعلم (۱۴۲۲) و مسلم: کتاب الزکاة، باب ثبوت أجر المتصدق وإن وقعت فی ید غیر أهلها (۱۰۲۲).

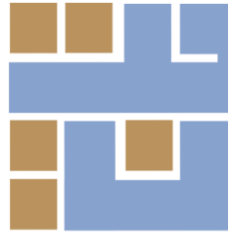
کردی برای توس، و ای معن، آنچه گرفتی از آن توس^۱». این حدیث را بخاری روایت کرده است.^۱

برادران و خواهران من: همانا زکات پذیرفته و از گردن شخص ساقط نمی‌شود مگر آنکه در مواردی که خداوند برای آن تعیین کرده مصرف شود. پس در این امر تلاش کنید - خدایتان بیامرزد - و بر درست ادا کردن آن و قراردادن آن در جایگاه شایسته‌اش حریص باشید، تا دین خود را ادا کرده و اموال خود را پاک نموده و فرمان پروردگارتان را اجرا کرده باشید و صدقات شما پذیرفته شود. خداوند توفیق‌دهنده است.

والحمد لله ربّ العالمین، وصلى الله وسلّم على نبینا محمّد وعلى آله
وأصحابه أجمعین.

۱- به روایت بخاری: کتاب الزکاة، باب إذا تصدق علی ابنه وهو لا یشعر (۱۴۲۲).

مجلس هفدهم: دربارهٔ مستحقان زکات



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies